

عنوان مقاله:

عید عارفان مواجهه آدمی با بی نهایت

محل انتشار:

پژوهشنامه ادب حماسی، دوره 3، شماره 5 (سال: 1386)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

نویسنده:

علی صناعی - دانش جوی کارشناسی مهندسی برق دانش گاه صنعتی امیرکبیر.

خلاصه مقاله:

در این نوشته کوتاه، قصد دارم یکی از مهم ترین آموزه های مولانا جلال الدین محمد بلخی را در حد توان خویش بازگو کنم؛ و آن، تلقی وی از «عید» است. شاید بتوان گفت: مفهوم «عید» نزد مولانا، با تلقی آن نزد سایر مکاتب و عرفا، تفاوتی گوه‌رین دارد و همین تفاوت است که مرا برانگیخت تا به رسم ادب شاگردی نزد وی و شاگردانش، اندکی سخن بگویم. هم چنین یکی از عللی که اهمیت توضیح درباره این مفهوم را نشان می دهد، آن است که صاحب این مکتب، خود را «عید» خوانده، و عید شدن در او، به مثابه امری جاری و طبیعی است؛ باز آمدم چون عید نو، تا قفل زندان بشکنم وین چرخ مردم خوار را چنگال و دندان بشکنم

کلمات کلیدی:

عید، عاشق، خشیت، پارسایی، پاک بازی، مخلص، پشت گرمی، فربهی، فنا، بقا

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1542710>

